

راهبرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری یمن، عراق و

سوریه

حسنعلی شوقی^۱

چکیده

از مهمترین تحولات در منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر که تأثیراتی نیز برای جمهوری اسلامی ایران داشته است شکل‌گیری گروه‌های تکفیری یا تروریستی می‌باشد که ضمن تأثیر بر مبانی امنیتی آنها، امنیت ج.ا.ایران را در ابعاد مختلف آن مورد تهدید قرار داده‌اند. لذا این پژوهش بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که: راهبردهای سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال گروه‌های تکفیری در سوریه، عراق و یمن چگونه بوده است؟ روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و مکتب کپنهاگ بعنوان مکتب امنیتی که امنیت را بطور موسع و فراتر از امنیت نظامی و در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن مورد توجه قرار می‌دهد، بعنوان چارچوب نظری این انتخاب گردیده است. فرضیه این پژوهش گویای آن است که جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات امنیتی گسترده گروه‌های تکفیری راهبردها و راهکارهای داخلی، شامل پدافند غیرعامل؛ منطقه‌ای و بین‌المللی شامل شکل‌دهی و تقویت اتحادها و ائتلافات منطقه‌ای، تنش‌زدایی و تلاش در باز نمودن مسیرهای دموکراتیک و سهیم نمودن گروه‌های مختلف در عرصه قدرت را مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: گروه‌های تکفیری، محور مقاومت، امنیت، کپنهاگ، راهبرد

^۱ کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل hsshoghi@yahoo.com

مقدمه

شکل‌گیری و افزایش نفوذ گروه‌های تکفیری در مجموعه امنیتی خاورمیانه در سال‌های اخیر، ثبات و امنیت منطقه خاورمیانه را با چالش‌هایی جدی روبرو ساخته است و بطور مشخص تمامی بازیگران سیاسی و در رأس آنها بازیگران موثر در زیر مجموعه امنیتی محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران را متأثر ساخته است. بدون تردید امنیت بعنوان مهمترین مولفه در مجموعه امنیتی خاورمیانه قابل توجه و بررسی می‌باشد. در این میان تقابل‌های امنیتی شکل گرفته شده در مجموعه امنیتی خاورمیانه، نظم امنیتی حاکم بر این مجموعه را دچار چالش نموده است.

گروه‌های تکفیری در کشورهای یمن، عراق و سوریه از جمله مهمترین عوامل بر هم زنده نظم موجود در مجموعه امنیتی خاورمیانه به شمار می‌روند که ابعاد موسع امنیتی جمهوری اسلامی ایران از جمله امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و نیز اجتماعی کشورمان را تهدید می‌نماید. تأثیرگذاری گروه‌های تکفیری بر امنیت بازیگران منطقه خاورمیانه تا بدان حد است که براساس گزارش شاخص جهانی تروریسم در سال ۲۰۱۴، پنج کشور اول جهان که بیشترین ضربه را از فعالیت‌های تروریستی متحمل شده‌اند (عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه)، افراط‌گرایان تکفیری در آنها فعالیت داشته‌اند و مرگ‌بارترین حملات تروریستی سراسر جهان در سال ۲۰۱۳ میلادی مربوط به فعالیت‌های تروریستی افراط‌گرایان اسلامی بوده که ناشی از بمب‌گذاری، بمب‌گذاری انتحاری و حمله مسلحانه بوده است و عمدتاً در منطقه خاورمیانه صورت گرفته است (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

فعالیت گسترده افراط‌گرایان تکفیری در کشورهای منطقه خاورمیانه به ویژه در عراق و سوریه و در سال‌های اخیر در کشور یمن موجب بر هم خوردن نظم امنیتی منطقه‌ای گردیده است. این امر، تقابل هرچه بیشتر بازیگران محور سازش عربی به رهبری عربستان سعودی و نیز غرب به رهبری آمریکا با بازیگران محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران و نیز عراق، سوریه و یمن را موجب شده است بگونه‌ای که گروه‌های تکفیری - سلفی فعال در منطقه به ابزاری در جهت کاهش ضریب امنیت بازیگران محور مقاومت و در رأس ایشان جمهوری اسلامی ایران بدل گردیده‌اند. لذا این پژوهش بر آن است تا ضمن بررسی نقش و تاثیر گروه‌های تکفیری بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در قالب مکتب کپنهاگ، راهبرد امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال این گروه‌ها را مورد توجه و بررسی قرار دهد.

۱- چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ بعنوان نگرش فرامردن مطالعات امنیتی بر استقلال مفهومی یا حوزه مطالعاتی (علمی) امنیت تاکید نموده است. باری بوزان بعنوان یکی از پیشگامان منادی استقلال مفهومی امنیت، تلاش کرد مرز میان مطالعات امنیتی با مطالعات استراتژیک را روشن کند. به نظر وی مطالعات استراتژیک صرفاً بر بعد نظامی امنیت تاکید دارد، در حالیکه مطالعات امنیتی بررسی ابعاد غیرنظامی امنیت را مورد توجه قرار می‌دهد (خلیلی، ۱۳۸۵: ۴۸۳). بوزان امنیت را برابر با رهایی از تهدید می‌داند و می‌گوید امنیت در نبود مساله دیگری به نام تهدید درک می‌شود. از نظر وی، امنیت به توان دولت‌ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌شود. باری بوزان بعنوان یکی از مهمترین اندیشمندان مکتب کپنهاگ، بر این اعتقاد است که امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

از نقطه نظر نگاه بین‌الادھانی به امنیت، برای مکتب کپنهاگ موضوعات از طریق زبان تبدیل به موضوعات امنیتی یا دقیق‌تر تهدید می‌شوند، این زبان است که موضوع بازیگران خاص یا موضوعات را بعنوان تهدیدی وجودی علیه یک جامعه سیاسی خاص بیان می‌کند و در واقع زبان قادر به تفسیر و امنیت‌سازی است (امیدی و مرادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۵). از طرف دیگر، مفهوم امنیتی ساختن یکی از کانونی‌ترین مفاهیم در مکتب کپنهاگ ۱۱۷ است و تعریف امنیت بعنوان کنش کلامی مرکز این بحث است. امنیتی ساختن، به فرایندی گفته می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد، در حالیکه قبلاً در این حوزه قرار نداشته است. امنیتی کردن در تمام حوزه‌های نظامی و غیرنظامی ممکن می‌شود و در تمام ابعاد امنیت نیز یکسان عمل می‌کند (Friis, 2000: 3). بوزان و همکارانش در رابطه با سطوح تحلیل امنیتی پنج سطح تحلیل را در نظر می‌گیرند: ۱- بین‌المللی؛ ۲- منطقه‌ای؛ ۳- ملی؛ ۴- اجتماعی؛ ۵- فردی. بوزان و ویور می‌کوشند با ارائه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امنیت بین‌المللی را مورد مطالعه قرار دهد. به باور اندیشمندان مکتب کپنهاگ هنوز هم در دنیای جهانی شده سرعت انتقال تهدیدات رابطه مستقیمی با فاصله فیزیکی دارد، هرچه فاصله کمتر، سرعت انتقال بیشتر. بدین‌سان رویکرد منطقه‌گرای اندیشمندان این مکتب در حد فاصل دو رویکرد جهان‌گرا و واقع‌گرا قرار می‌گیرد (نصری(الف)، ۱۳۸۱: ۵۸۶).

بوزان در علل اهمیت امنیت منطقه‌ای و مفهوم آن، بر سه اصل تأکید می‌کند: الگوهای دوستی و دشمنی، اختلاف‌ها و همبستگی‌های نژادی و فروپاشی نظام دوقطبی. این عوامل ضمن شکل‌دهی به مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، روابط میان بازیگران مجموعه‌های امنیتی و زیرمجموعه‌های آنها را در طیفی از روابط راهبردی و همکاری تا منازعه و جنگ تعریف می‌نماید.

۲- هویت سیاسی گروه‌های تکفیری - سلفی

هرچند در ابتدا گروه‌های تکفیری نخستین و مهمترین مشکل جامعه مسلمین را حضور نیروهای غربی به ویژه نیروهای آمریکایی حاضر در عراق و هم‌پیمانان آن از اتحادیه اروپا به خصوص انگلستان می‌دانستند. لیکن بعدها با قوام تدریجی، تطوری اساسی در نظریات و مبانی اعتقادی این گروه‌های تروریستی ایجاد شد و دولت اسد در سوریه و نیز کشورهای عراق، ایران، یمن و غیره متهمان اصلی بحران‌های منطقه تلقی شدند و جهاد علیه این کشورها در صدر سیاست این گروه قرار گرفت. دیگر مشکل اساسی جامعه اسلامی به‌زعم رهبران گروه‌های تکفیری، تبیین نشدن صحیح و دقیق احکام و مباحثات در اجرای حدود احکام شریعت اسلام است. گروه‌های تکفیری برخی مشکلات و معضلات جهان اسلام را وجود عقاید مذهبی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی کفرآمیز و مغایر سنت اسلامی دانسته و به شدت با آن مخالفت و برای از بین بردن آنها اقدام کرده است.

دیگر معضل اساسی جهان اسلام در نظر گروه‌های تکفیری، ضعف ساختاری و تربیت نیروهای مجاهد اسلامی در تمام زمینه‌هاست، یکی از نقاط اختلاف مهم میان گروه‌های تندرو تکفیری همانند داعش و سایر گروه‌ها همانند القاعده نیز همین موضوع است. گروه‌های تندرو تکفیری و سلفی با تأکید بر تربیت نیروهای زبده و مبارزه کوتاه مدت سعی در غافلگیری دشمن و وارد کردن ضربات اساسی بر آنان دارد و فقدان نیروهای کارآمد مبارز در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، مهندسی و غیره را از مهمترین معضلات موجود در نظام اداری و ساختاری جهان اسلام قلمداد می‌کنند.

در رابطه با هویت گروه‌های سلفی-تکفیری توجه به این نکته ضروری می‌نماید که بخش قابل توجهی از مبانی شکل دهنده به گفتمان سیاسی ایشان، در راستای تقابل با گفتمان شیعی در منطقه قابل تشخیص و تبیین است. بر این اساس شاید بتوان از مهمترین دلایل توسعه نفوذ و افزایش قدرت گروه‌های تکفیری در مجموعه امنیتی خاورمیانه، تحت تاثیر اندیشه‌های وهابی و سلفی را قدرت‌گیری روزافزون شیعیان منطقه دانست. گروه‌های تکفیری امروزه حوزه فعالیت‌های خود را در سرزمین‌هایی قرار داده‌اند که به نوعی قدرت را در آنجا شیعیان و وابستگان به آنها در اختیار دارند که نمونه آن علویان سوریه به رهبری اسد، شیعیان عراق هستند. از سوی دیگر، گروه‌های تکفیری فعال در منطقه خاورمیانه، علاوه بر مبارزه با کفار، حکم ارتداد شیعیان و علویان را صادر کرده‌اند و آنها را مهدورالدم خوانده‌اند. در اینباره می‌توان نقش قدرت‌های منطقه‌ای همچون عربستان سعودی را برجسته دید که مرکز ثقل تغذیه کننده ایدئولوژیکی آنها و تامین کننده بخش مهمی از نیروهای تروریستی این گروه‌ها در نظر گرفت که برای مقابله با هلال شیعه در منطقه به اقدامات گسترده‌ای دست زده است.

۳- مجموعه امنیتی محور مقاومت و نقش عراق، سوریه و یمن

وجود حداقل دو بازیگر موثر (ایران و سوریه) و همسایگی و نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات هویتی (فرهنگ، نژاد و قومیت) و ایدئولوژیکی، وابستگی‌های متقابل امنیتی و حاکمیت الگوهای دوستی و دشمنی، سبب گردیده است تا مجموعه امنیتی محور مقاومت بعنوان یکی از زیر مجموعه‌های امنیتی منطقه خاورمیانه به شمار آید.

۳-۱- وابستگی امنیتی ایران و سوریه

براساس وابستگی متقابل امنیتی، پیوندی ناگسستنی میان بازیگران محور مقاومت بخصوص ایران، سوریه، دولت شیعی یمن و عراق (پس از سقوط صدام) شکل گرفته شده است. پیوند و وابستگی متقابل امنیتی سوریه، بعنوان تنها بازیگر عربی که در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مستقلی را ایفا می‌کند، با محور مقاومت بواسطه حمایت سوریه از مواضع ایران در مورد حزب‌الله و جنبش‌های جهادی در فلسطین اشغالی، بر علیه اسرائیل شکل گرفته شده است. بنابراین، یک رابطه استراتژیک میان جمهوری اسلامی ایران و سوریه شکل گرفته است که امنیت جمهوری اسلامی ایران را متاثر می‌سازد (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۷). لذا فعالیت‌های گروه‌های تکفیری در این کشور و افزایش نفوذ ایشان و تصرف مناطقی از خاک این کشور، عمق ۱۱۹ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده است.

درهم تنیدگی و وابستگی امنیتی ایران و سوریه سبب گردیده است تا وجود بحران بی‌ثبات‌سازی سوریه، بعنوان یکی از کلیدی‌ترین حلقه‌های محور مقاومت و عمق استراتژیک آن و یکی از مهمترین بخش‌های راهبردی مهار جمهوری اسلامی ایران، در واقع هدفی جزء برقراری توازن بین محورها و تضعیف نقش و جایگاه ایران را دنبال نمی‌کند (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

لذا روی کارآمدن گروه‌های سلفی مخالف جمهوری اسلامی موجب چرخش بنیادی سیاست خارجی سوریه خواهد شد این چالش امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار خواهد داد و وجود بحران بی‌ثبات‌سازی سوریه، بعنوان کلیدی‌ترین حلقه محور مقاومت اسلامی و عمق استراتژیک و یکی از مهمترین بخش‌های راهبردی مهار جمهوری اسلامی ایران در قالب افزایش نفوذ بازیگران تکفیری و تجهیز و شکل‌دهی به آنها در واقع هدفی جزء برقراری توازن بین محورها و تضعیف نقش و جایگاه ایران را دنبال نمی‌کند.

۳-۲- وابستگی امنیتی ایران و عراق

در دوره پساصدام فرایند جدیدی به وجود آمد که زمینه‌های ارتقای نقش منطقه‌ای ایران را فراهم آورد. نخستین پیامد تحولات سیاسی در عراق، به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور بود که این امر چشم‌انداز

قدرت و سیاست در منطقه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد (رستمی، ۱۳۹۴: ۲۰۴). عربستان سعودی با شکل‌دهی و تقویت گروه‌های تکفیری در عراق تلاش می‌کند فراتر از قابلیت‌های ژئوپلیتیکی خود بعنوان خط مقدم تضادهای منطقه‌ای در برابر ایران نقش ایفا نماید. نمود آشکار این تلاش‌ها، سازماندهی القاعده توسط ترکی فیصل برای مقابله با شیعیان بوده است. بر همین مبنا تقابل با ایران و منافع ملی کشورمان در قالب حمایت از گروه‌های تکفیری همانند داعش و النصره در سوریه، عراق و سپس یمن همواره مورد توجه قرار گرفته است. همچنین گستره‌ای از نیروهای تبلیغی و تکفیری وجود دارند که اقدامات خود را در مقابله با ژئوپلیتیک راهبردی ایران در خاورمیانه توسط کشورهای محور سازش سازماندهی شده است که غالب آنها از حمایت عربستان برخوردار بوده‌اند.

۳-۳- وابستگی امنیتی ایران و حکومت شیعی یمن

همچنین گسترش و تقویت نظام‌های مردم‌سالار دینی در منطقه و اصلاح ساختار سیاسی در یمن، به معنای افزایش مشارکت مدنی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در نتیجه گسترش گفتمان جمهوری اسلامی در منطقه است مع‌الوصف، نیروهای نزدیک به ایران افزایش یافته و بر شمار دوستان منطقه‌ای ایران افزوده می‌شود این امر ضریب امنیتی ایران را افزایش داده و موجب همکاری‌های گسترده منطقه‌ای با دولت‌های انتخابی می‌شود. ۱۲۰

لیکن سقوط حکومت اقلیت دست‌نشانده در یمن موجب تضعیف عربستان سعودی بعنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس، کاهش شمار دوستان عربستان و در مقابل افزایش شمار دوستان ایران و در نهایت محدود شدن دسترسی نظامیان آمریکا به پایگاه‌های منطقه خواهد شد. نهضت شیعیان یمن در قالب انصاراله به دلیل مزیت‌های خاص خود همچون تأثیرگذاری بر روند جنبش شیعیان عربستان و در نتیجه امنیت این کشور بعنوان رهبر بازیگران سازشکار عرب از اهمیت بالایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.

از این‌رو جهت مهار نیروهای شیعه، تنها راه، ایجاد نیروی ضد شیعه آن‌هم بگونه‌ای افراطی بود. بر این اساس غربی‌ها و رقبای منطقه‌ای ایران، در شکل‌گیری و گسترش قدرت نیروهای تکفیری سلفی در مناطق شیعه-نشین عراق، سوریه و یمن اهتمام بسیار نموده‌اند. اقدامات عربستان در شکل‌دهی و تقویت گروه‌های تکفیری و نیز بمباران مناطق شیعه‌نشین در یمن و انجام یک جنگ نیابتی و مداخله‌جویانه نظامی تحت عنوان سپر جزیره برای خاموش کردن انقلاب در این کشور و آرام نمودن شیعیان کشورش صورت گرفت.

بدون تردید امنیت بعنوان مهمترین مسئله مورد توجه برای تمامی بازیگران ملی مورد توجه و مذاقه بوده است. در این میان، مجموعه امنیتی خاورمیانه بعنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیتی هشت‌گانه مورد توجه

باری بوزان، بیش از سایر زیرمجموعه‌های امنیتی از بحران امنیت رنج می‌برد و به گفته بوزان، در این منطقه وجود مناقشات مذهبی، قومی، زبانی و غیره موجب بحران‌های مضاعف امنیتی در منطقه خاورمیانه شده است.

از سوی دیگر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تغییر گفتمان‌های غالب در سیاست خارجی کشورمان، شاهد تغییر رویکرد در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشیم که منبث از گفتمان عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی، نفی سلطه غرب و غیره بوده است. لیکن پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و تغییر معادلات امنیتی در منطقه خاورمیانه شاهد شکل‌گیری دو جریان متعارض (بعنوان دو زیرمجموعه امنیتی) در مجموعه امنیتی خاورمیانه می‌باشیم که امنیت بازیگران موثر در ایشان را متأثر ساخته است. بر این اساس، شاهد شکل‌گیری مجموعه امنیتی محور مقاومت تحت تاثیر اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران و منبث از باورهای اسلامی - شیعی حاکم بر آن و از سوی دیگر شکل‌گیری محور سازش به رهبری بازیگرانی همچون مصر و امروزه عربستان سعودی هستیم.

از جمله مهمترین عوامل شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و افزایش قدرت آنها در سال‌های اخیر در کشورهای عراق، سوریه و یمن با حمایت‌های مادی و غیرمادی عربستان سعودی و سایر بازیگران، تحت تاثیر اندیشه‌های وهابیت حاکم بر ایشان، در جهت رقابت‌های منطقه‌ای دو زیرمجموعه محور مقاومت و محور سازش به رهبری ۱۲۱ جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بوده است که به شدت چارچوب‌های امنیتی منطقه خاورمیانه را تحت تاثیر قرار داده است و امنیت جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد موسع آن (امنیت سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی) و در نتیجه سیاست خارجی و امنیتی کشورمان را متأثر ساخته است. در ادامه این پژوهش نقش و تاثیر این گروه‌های تکفیری بر ابعاد موسع امنیتی جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار می‌گیرد تا راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال ایشان تبیین گردد.

۴- گروه‌های تکفیری در عراق، سوریه و یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران

پس از سال ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعث در عراق در نتیجه حمله آمریکا به آن کشور و شکل‌گیری خلاء امنیت در این کشور، در نتیجه افزایش فعالیت گروه‌های تکفیری و نیز پس از شکل‌گیری منازعات داخلی در سوریه و تضعیف رژیم اسد در نتیجه فعالیت‌های گروه‌های تکفیری، تاثیر مسائل داخلی و نیز مسئله امنیت در این دو کشور برای جمهوری اسلامی ایران فزونی یافته است. این مسئله به دلیل همجواری و نیز اهمیت راهبردی عراق و نیز سوریه برای جمهوری اسلامی ایران و اهمیت استراتژیک آنها برای پیشبرد اهداف مجموعه امنیتی محور مقاومت از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. همچنین جنبش‌های اسلامی شکل گرفته شده در یمن

و خروج حکومت دست نشانده سعودی از دیگر عواملی به شمار می‌رود که سبب ورود و فعالیت بیش از پیش گروه‌های تکفیری، تحت تاثیر باورهای سلفی، در این کشور را سبب شده است و جبهه‌بندی‌های جدیدی را در منطقه موجب گردیده است که امنیت جمهوری اسلامی ایران را متاثر و لزوم اتخاذ راهبردهایی نوین در قبال ایشان را سبب شده است. باتوجه به نگاه ساختارگرایانه مکتب امنیتی کپنهاگ، ناامنی‌های شکل گرفته شده در مجموعه امنیتی خاورمیانه و در مناطق پیرامون جمهوری اسلامی ایران، امنیت کشورمان را در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد تهدید قرار داده است (Aghazadeh khoei, 2015: 5).

۴-۱- گروه‌های تکفیری و امنیت نظامی ج.ا.ایران

امنیت نظامی بعنوان برداشت کلاسیک از امنیت، همواره مورد توجه بازیگران ملی و امنیت ملی تا پیش از این با امنیت نظامی قرین بوده است. بحران‌های رخ داده در منطقه بالکان بعد از جنگ سرد نیز نتوانست از اهمیت این بعد از امنیت بکاهد. لیکن سبب پذیرش سایر ابعاد امنیت همانند امنیت سیاسی و اقتصادی و نیز امنیت اجتماعی در کنار امنیت نظامی بود (Adler, 2008: 13). از جمله نقاط قوت گروه‌های تکفیری در عراق، سوریه و نیز یمن برخورداری از لجستیک نظامی قوی است. این امر با حمایت وهابیت سعودی و سایر کمک‌های خارجی و نیز با تصاحب منابع زیرزمینی و فروش آن ممکن گردیده است. بطور مثال داعش در عراق با به چنگ آوری نفت کرکوک و درآمدهای حاصل از آن، به سلاح‌هایی چون موشک‌های زمین به زمین پیشرفته دست یافت و نیز تهیه سامانه ضد هوایی سوپر هاگ از ترکیه نمونه دیگری از توانمندی نظامی داعش به شمار می‌آید (شیرودی، ۱۳۹۴: ۵).

در واقع داعش و گروه‌های تکفیری فعال در عراق، سوریه و یمن جزء ثروتمندترین سازمان‌های تروریستی جهان به شمار می‌روند که با فروش نفت، مالیات و غنیمت‌های بانکی و محلی ارتزاق کرده و به صورت تصاعدی تبدیل به ثروتمندترین سازمان‌های تروریستی شده‌اند و این امر به ویژه با تصرف شهرهایی همچون موصل و ضبط منابع مالی و همچنین تصرف شماری از چاه‌های نفت شمال عراق و منابع درآمدزا در خاک سوریه و نیز یمن شدت یافته است، از این رو این ثروت با آورده توان مالی کافی به این گروه‌ها می‌دهد تا بتوانند از طریق غیرقانونی به تسلیحات متعارف و حتی نامتعارف دست پیدا کنند (گلستان، ۱۳۹۴: ۲).

گروه‌های تکفیری می‌کوشند خود را به مرزهای ایران نزدیک کنند. هدف آنان از این نزدیکی، ایجاد هراس و ایجاد دغدغه فراوان برای مردم و دولت ایران است. آنان با ادعای دسترسی آسان به سلاح و برخورداری از توان نظامی در تلاش‌اند تا حیطة عمل جمهوری اسلامی را کاهش دهند که این عمل با حمایت سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی غرب، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه در جهت کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و بازیگران محور مقاومت صورت می‌پذیرد. اینگونه تهدیدات، ابعاد نظامی امنیت جمهوری اسلامی ایران و در

نتیجه امنیت ملی کشورمان را با مخاطره مواجه ساخته است. تهدیداتی که علاوه بر تهدید نظامی از درون کشورهای همسایه همچون عراق، در سوریه و یمن سبب تهدید نظامی جبهه مقاومت اسلامی گردیده است.

۴-۲- گروه‌های تکفیری و امنیت سیاسی ج.ا. ایران

تهدیدات سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید سیاسی ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدیدات سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشند. از آنجا که گروه‌های تکفیری و در رأس آنها داعش در کنار آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی، دشمن غیرعقلانی شیعه و محور مقاومت به شمار می‌روند و فعالیت‌های تروریستی آنها باعث بی‌ثباتی در ژئوپلیتیک شیعه می‌شود، برخی از مهمترین تهدیدات سیاسی این گروه‌های تکفیری علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ذیل مورد اشاره قرار خواهد گرفت:

تضعیف شیعیان: یکی از مهمترین دغدغه‌های گروه‌های تکفیری و حامیان منطقه‌ای آنان قدرت روزافزون شیعیان منطقه است؛ به همین علت با اندکی دقت به وضوح می‌توان دریافت حوزه تروریسم گروه‌های تکفیری در عراق، سوریه و یمن پیرامون مناطق شیعه‌نشین خاورمیانه است. بنابراین ایده آل‌یسم مدنظر آنها تغییر بافت قدرت منطقه از شیعیسم به اهل سنت است (Arango, 2014: 9-14). این تفکر حاکم بر گروه‌های تکفیری در منطقه موجب محصور شدن ایران در مرزهایش می‌شود، که این امر تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ایران و قدرت شیعیان است (باقری و شمسی، ۱۳۹۲: ۳۷).

منحرف کردن بیداری اسلامی: بیداری اسلامی بعنوان پدیده‌ای موثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. این جنبش‌ها تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران باعث افزایش حاکمیت هویت‌های مذهبی در کشورهای خاورمیانه، افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و ناکامی عربستان سعودی در گسترش نفوذ این کشور در منطقه شده است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۶). لیکن جریان سلفی جهادی داعش با افکار ظاهری و ضداسلامی این حرکت عظیم ضداستکباری و استبدادی را به جنگ بین مسلمانان و شیعه‌کشی تغییر جهت داده است و ایران بعنوان تنها دولت اسلام‌گرای شیعی در جهان به لحاظ مذهبی و ایدئولوژی نمی‌تواند نسبت به سرنوشت شیعیان بی‌توجه باشد. این مسئله باعث می‌شود که ایران وارد یک منازعه ممتد نظامی، سیاسی شود و قدرت چانه‌زنی آن در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای کاهش پیدا کند (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

چرخش توازن قدرت به سمت رژیم غاصب صهیونیستی و محور سازش: جبهه مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران و عضویت سوریه، حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی، آرایش سیاسی بازیگران منطقه

خاورمیانه را تغییر داده است. پس از سقوط صدام دولت عراق با توجه به ساختار مذهبی خود به محور مقاومت نزدیک شد و ظرفیت بیشتری را به مجموعه امنیتی مقاومت بخشید اما با سرایت ناامنی‌ها به سوریه توسط گروه‌های تکفیری و در رأس آنها داعش وضعیت بگونه‌ای دیگر رقم خورد (Beaumont, 2014: 9). جایگاه این کشور و پیوستگی امنیت ایران با سوریه موجب شد تا دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، برای ایجاد تغییر در نظام سیاسی سوریه و به دنبال آن، تغییر در ژئوپلیتیک و آرایش بازیگران سیاسی خاورمیانه اقدام کنند. این بهترین موقعیت برای همسایگان عرب مخالف مجموعه امنیتی محور مقاومت بوده تا از فرصت به دست آمده در جهت تغییر معادلات مجموعه امنیتی خاورمیانه استفاده نمایند و نه تنها ایران را از قدرت برتر منطقه‌ای به حاشیه برانند بلکه امنیت ملی این کشور را با چالش مواجه سازند (آدمیو کشاورز مقدم، پیشین: ۸). بنابراین، فعالیت گروه‌های تکفیری با تغییر موازنه استراتژیک در منطقه، ضمن تضعیف عمق استراتژیک ایران، این کشور را به سوی حل مناقشه با غرب و تن دادن به تعاملات راهبردی گسترده با نظام سلطه هدایت می‌کند (عبدخدائی و تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

۳-۴- گروه‌های تکفیری و امنیت اجتماعی ج.ا. ایران

مفهوم امنیت اجتماعی در پی توسعه تحلیل‌های جدید امنیتی و پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد. این مفهوم نخست بعنوان یک رویکرد مفهومی به وسیله گروه مستقلی از محققان در موسسه تحقیقات صلح کپنهاگ توسعه پیدا کرده است (Bilgin, 2003: 211). بعد اجتماعی امنیت به معنای بازخوانی آن از لحاظ کیفیت حیات اجتماعی، هویت و هنجارهاست (Chena, 2008: 152). بر همین اساس، تهدید گروه‌های تکفیری و در رأس آنها داعش تنها به ابعاد سیاسی و نظامی محدود نگشته و امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و باورهای منبعث از آن را نیز مورد تهدید قرار داده است. بی‌تردید از منظر تاثیرگذاری داعش بر افکار عمومی در اجتماع، شاهد پدیده‌های کم‌نظیر بوده‌ایم. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک، توئیتر و مجله‌ای با همین عنوان در سطح جهانی، تکیه بر اصل «شبکه دایق» تلگرام و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت الهی و نوعی بازگشت‌ناپذیری مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضاء و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی، فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آنها موجب شده است که سیر رشد آنها تصاعدی شود (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۹).

در ادامه به مهمترین تاثیرات و تهدیدات امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران از جانب گروه‌های تکفیری و بخصوص فعالیت‌های داعش در مرزهای سوریه، عراق و یمن اشاره می‌گردد:

- مخدوش کردن منزلت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران؛

- تضعیف انسجام ملی مردم ایران از طریق تنش‌های مذهبی؛
- توسعه مبانی مذهبی متفاوت از ایده نظام سیاسی ایران؛
- بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی - فرقه‌ای مسلحانه؛
- مخدوش کردن چهره ناب اسلام محمدی(ص)؛
- تخریب اماکن مقدس اسلامی و تشدید تضاد مذهبی میان شیعه و سنی؛
- تضعیف امت اسلامی از طریق مشروع جلود دادن پدیده تروریسم و افزایش اسلام‌هراسی.

۴-۴- گروه‌های تکفیری و امنیت اقتصادی ج.ا. ایران

در حوزه امنیت اقتصادی می‌توان عنوان کرد که بدون تردید تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۵۱). گروه‌های تکفیری بخصوص در عراق با دستیابی به منابع انرژی، نه تنها بر درآمد نفتی ایران تاثیرگذار بوده‌اند بلکه با دستیابی به خودکفایی اقتصادی، امکان جذب نیروی انسانی بیشتر را نیز یافته‌اند. حضور گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه، روابط تجاری ایران با این دو کشور را دچار اختلال کرده است و این امر بر امنیت اقتصادی کشورمان تاثیر منفی داشته است و در نتیجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره انداخته است.

۱۲۵

۵- راهبردهای امنیتی و سیاست خارجی ج.ا. ایران در قبال گروه‌های تکفیری

پس از بررسی ابعاد تهدید کننده امنیت جمهوری اسلامی ایران در غالب امنیت نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در ادامه این پژوهش بهترین راهبردهای متصور برای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با این گروه‌ها مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت، تا از میزان تهدیدات و اثرات ناشی از فعالیت این گروه‌ها کاسته شود. راهبردهایی که از یکسو، باعث کاهش آسیب‌پذیری‌ها در داخل و از سوی دیگر به افزایش بازیگری ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی منجر شود. در این رابطه سه راهکار اصلی که راهبرد سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال گروه‌های تکفیری، از آن منبعث گردیده مورد اشاره قرار می‌گیرد. این راهکارها به ترتیب شامل شناخت صحیح و واقع‌بینانه پدیده گروه‌های تکفیری، اتخاذ سیاست‌های داخلی در جهت کاهش آسیب‌پذیری در قبال این گروه‌ها و در نهایت اقدامات و راهبردهایی در حوزه سیاست خارجی می‌باشد که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت:

۵-۱- اقدامات داخلی

اقدامات در این حوزه بیشتر باید بر حول کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی، استوار باشد. بخشی از این سیاست‌ها در چارچوب پدافند غیرعامل تعریف می‌شود. پدافند غیرعامل، مجموعه اقداماتی است که انجام می‌شود تا در صورت بروز جنگ، خسارات احتمالی به حداقل میزان خود برسد. به بیان دیگر هر اقدام غیر مسلحانه‌ای که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تاسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن گردد، پدافند غیرعامل گفته می‌شود. هدف از اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل کاستن از آسیب‌پذیری نیروی انسانی و تاسیسات و تجهیزات حیاتی و حساس و مهم کشور علیه ریزش‌های حمله خصمانه و مخرب دشمن و استمرار فعالیت‌ها و خدمات زیربنایی و تامین نیازهای حیاتی و تداوم اداره کشور در شرایط بحرانی ناشی از جنگ است. نکته شایان توجه در این مورد این است که جنگجویان تکفیری، به روش جنگ‌های نامتقارن و به صورت نامنظم پیکار می‌کنند و بنابراین، روش‌های مورد نیاز جهت ایجاد دفاع ملی در برابر آنها، متفاوت از چیزی است که اصول کلاسیک این رشته در خود دارد و بنابراین لزوم بروزرسانی و مطالعات پژوهشی تخصصی در این مورد احساس می‌شود. از مسائل دیگر که از آسیب‌پذیری در داخل می‌کاهد؛ ایجاد امنیت فراگیر برای تمام اقشار جامعه ایرانی می‌باشد. در این صورت است که هر فرد، دولت و نظام را یگانه مرجع حل مشکلات و تامین‌کننده نیازهای امنیتی خود خواهد دانست و اینچنین بستر اجتماعی شکل‌گیری گروه‌های افراطی خشکانده می‌شود. یکی از مولفه‌های مهم در ایجاد جامعه‌ای امن و آرام، التزام عملی افراد جامعه و نهادهای اجتماعی به همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب اسلامی، در کنار تفاوت‌ها، می‌باشد. موارد بسیاری را در این حوزه می‌توان برشمرد که نیازمند بحث موسع و مفصل جداگانه‌ای می‌باشد.

۱۲۶

۵-۲- اقدامات منطقه‌ای و جهانی

در سطح منطقه‌ای و جهانی ابتکارات جمهوری اسلامی ایران باید در دو سطح روابط خارجی و مناسبات فرهنگی، توامان و هماهنگ با یکدیگر به پیش برود. همراستایی این دو با یکدیگر در تسهیل نقش مثبت و بازیگری کم‌هزینه ایران در منطقه، نقش بسزایی خواهد داشت. مبنای این دو حوزه نیز بر این پایه استوار است که اقدامات مسلحانه و ائتلاف‌های صوری نظامی از آنچنان تاثیر بلندمدت لازم برخوردار نمی‌باشد. گرچه در اثرات کوتاه‌مدت آن در عقب راندن این گروه‌ها و پرهزینه کردن اقدامات تروریستی برای صاحبان آن جای شکی نیست؛ با این حال و پس از مشاهده تجربیات بین‌المللی در بحث مبارزه با تروریسم، کارآمدی این گزینه، در حذف کامل گروه‌های شبه نظامی، به صورت جدی به چالش کشیده شده است.

اقدامات در سطح روابط خارجی باید بر محور اجماع‌سازی واقعی منطقه‌ای و جهانی بر علیه گروه‌های تکفیری استوار گردد. این اجماع‌سازی پیش از این با ایده "جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری" تئوریزه شده و حال باید با برنامه‌ریزی مناسب دست‌اندرکاران امر، صورت اجرایی و عملی به خود بگیرد (نصری(ب)، ۱۳۹۰: ۳۹). در این راستا و در سطح جهانی باید بر سازوکارهای تعریف شده برای مبارزه با تروریسم مانند قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت بر علیه گروه داعش، تاکید شده و همچنین دستورکارهای جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با تروریسم، با ابزار دیپلماسی و گفتگو، وارد فرایندها و هنجارهای بین‌المللی گردد. در این صورت، علاوه بر کاهش هزینه‌های تصمیم‌گیری در حوزه روابط خارجی، قدرت نرم ایران در مناسبات بین‌المللی نیز افزایش خواهد یافت. در این حوزه می‌توان بعنوان مثال با سازوکاری حقوقی، مستظهر به پشتوانه سیاسی، ورود سیل‌وار جنگجویان خارجی، که به معضل اصلی در ادامه منازعه در سوریه، تبدیل شده‌اند را کاهش داد. بوسیله گفتگو و مفاهمه با همسایگان و پیدا نمودن نقاط مشترک منفعتی با آنها، می‌توان به اجماع منطقه‌ای در تحریم تسلیحاتی - اقتصادی تکفیری‌ها دست یافت؛ بگونه‌ای که بازیگر خاطی احتمالی برای شکستن این اجماع مجبور به پرداخت هزینه‌های مشروعیتی و سیاسی بالایی گردد. از دیگر اقدامات مهم منطقه‌ای برای تضعیف و نابودی این گروه‌های تروریستی، حذف منابع تجدیدپذیر و متنوع درآمدهای مالی این گروه‌ها است. این منابع، عمدتاً از قاچاق کالا و فروش نفت به برخی اشخاص و دولت‌های منطقه، قاچاق میراث فرهنگی و ۱۲۷ بدن انسان، دزدی، آدم‌ربایی و اخذ مالیات شرعی از مناطق تحت تصرف، تامین می‌شود. کاملاً مشخص است که حذف این شریان‌های اقتصادی در علیل نمودن بازوی‌های اجرایی-عملیاتی این گروه‌ها تاثیر بسزایی خواهد داشت (حیدری و عزیز، ۱۳۹۴: ۳).

فعالیت در حوزه مناسبات فرهنگی بین‌المللی، حلقه دیگر موفقیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران، جهت مبارزه علیه گروه‌های تکفیری، می‌باشد. مهمترین سیاست‌گذاری در این حوزه باید برمبنای فعالیت در دو سطح ارتباطات بین فرهنگی و اعمال دیپلماسی عمومی باشد؛ که به صورت کاملاً نهادینه و نظام‌مند صورت پذیرد. از دیگر اقداماتی که در حوزه مناسبات فرهنگی می‌توان سامان داد، اضمحلال مشروعیت این گروه، در پرتو حمایت از جریان‌ها و گروه‌های میانه‌رو اسلامی و تقویت گفتمان اعتدال و همزیستی مسالمت‌آمیز تمامی گروه‌ها، طوایف مذهبی - قومی نژادی منطقه در کنار یکدیگر می‌باشد. همچنین از آنجائیکه این گروه‌های تکفیری بخش اعظم هویت و مشروعیت خود را ناشی از نصرت الهی در صحنه جنگ می‌دانند، بنابراین عقیم گذاشتن عملیات‌های نظامی تکفیری‌ها و عقب راندن آنها از مناطق تحت تصرف، تاثیر مهمی در این امر خواهد داشت. این موضوع، باید با حمایت از متحدان منطقه‌ای و با هدف افزایش هزینه عملیات‌های

تروریستی برای مسببان آن، صورت گیرد. تلفیق پیروزی نظامی، با هدف پیشبرد ارزش‌ها و اهداف فرهنگی به افزایش قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران نیز کمک شایانی خواهد نمود (همان).

نتیجه‌گیری

پیدایش و تقویت گروه‌های تکفیری در منطقه خاورمیانه، پس از حمله آمریکا به عراق و نیز در نتیجه بهار عربی و در خلاء امنیت ناشی از آن چارچوب‌های امنیتی مجموعه امنیتی خاورمیانه را دچار چالش نموده است. این امر بخصوص با رقابت‌های شکل گرفته شده در این مجموعه در غالب مجموعه امنیتی محور مقاومت و تقابل آن با محور سازش به سرکردگی عربستان سعودی قابل تامل و توجه می‌باشد.

با افزایش حوزه فعالیت گروه‌های تکفیری در عراق، سوریه و نیز یمن ابعاد موسع امنیتی جمهوری اسلامی ایران، بعنوان بازیگر تعیین کننده در مجموعه امنیتی محور مقاومت با چالش‌هایی روبرو گردیده است و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به خطر افتاده است. لذا این امر لزوم اتخاذ راهبردهای مناسبی از جانب جمهوری اسلامی ایران در غالب راهبردهای سیاسی و امنیتی را می‌طلبد که نه تنها مستلزم شناخت کافی و وافی از این پدیده می‌باشد بلکه راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی، بلکه سیاست داخلی متناسب با آن را طلب می‌نماید. بر این اساس اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر پدافند غیرعامل بعنوان سیاست داخلی و نیز نزدیکی هرچه بیشتر به سایر بازیگران مجموعه امنیتی خاورمیانه در چارچوب اجماع‌سازی منطقه‌ای و فراتر از آن و نیز فعالیت در حوزه مناسبات فرهنگی بین‌المللی و تلاش برای نقش‌آفرینی پررنگ‌تر در سطح منطقه‌ای و نیز جهانی و غیره بعنوان مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با فعالیت‌های گروه‌های تکفیری در عراق، سوریه و یمن در این پژوهش مورد توجه و بررسی قرار گرفت.

۱۲۸

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱۴.
- ۲- احمدی، علی (۱۳۹۴)، «تاثیر فرهنگی داعش بر جغرافیای فرهنگی عراق و سوریه»، مجله فرهنگ اسلامی، ش ۲۳.
- ۳- اشرف نظری، علی و السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۴)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۱۷، ش ۶۸.

- ۴- امیدی، علی و مرادی‌فر، سعیده (۱۳۹۳)، «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران»، **فصلنامه پژوهشی سیاست جهانی**، دوره ۳، ش ۴.
- ۵- باقری، حسین و شمس، حسین (۱۳۹۲)، «شناخت تهدیدهای سیاسی تداوم حضور آمریکا در افغانستان»، **دوماهنامه اطلاعات راهبردی**، س ۱۱، ش ۱۱۷.
- ۶- بوزان، باری (۱۳۹۰)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- حیدری، علی و عزیز، نوش‌آفرین (۱۳۹۴)، «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال داعش (عراق) با استفاده از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک»، **نهمین همایش مجازی بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان**.
- ۸- خلیلی، رضا (۱۳۸۵)، «تبارشناسی مطالعات امنیتی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، س ۹، ش ۳۳.
- ۹- رستمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «جریانات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آنها باتوجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه»، **فصلنامه سیاست خارجی**، س ۲۹، ش ۱.
- ۱۰- شیروودی، مرتضی (۱۳۹۴)، «مدل راهبردی در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون‌رفت»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی**، س ۳، ش ۸.
- ۱۱- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۲- عبدخدایی، مجتبی و تبریزی، زهرا (۱۳۹۴)، «نقش گروه‌های تکفیری - تروریستی سوریه و عراق در تامین امنیت رژیم غاصب صهیونیستی» **فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، س ۱۲، ش ۴۱.
- ۱۳- کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵)، «سلفی‌گرایی جهادی-تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، س ۶، ش ۱.
- ۱۴- گلستان، مسلم (۱۳۹۴)، «چالش‌ها و فرصت‌های ظهور داعش بر ایران»، **فصلنامه دیپلماسی ایرانی**.
- ۱۵- میرزایی، جلال و دیگران (۱۳۹۳)، «تاثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، س ۴، ش ۲.
- ۱۶- نصری(الف)، قدیر (۱۳۸۱)، «مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی»، **فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی**، ش ۳۳.
- ۱۷- نصری(ب)، قدیر (۱۳۹۰)، «تاملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، س ۱۴، ش ۹.

لاتین:

- 18- Adler, East (2008). The Spread of Security Communities: Communities of in Revue Asylon. No. 4.
- 19- Aghazadeh Khoei, Mide (2015). Iran's Security and the Islamic State.
- 20- Arango, Tim (2014). Top Qaeda Leaders in Iraq Reported Killed in Raid. *The New York Times*.
- 21- Beaumont, Peter (2014). How effective is Isis compared with the Iraqi army and Kurdish Peshmerga. *The Guardian press*.
- 22- Bilgin, Pinar (2003). Individual and Societal Dimensions of Security. Bilkent University Turkey. *Department of International Relation*.
- 23- Chena, Silk (2008). L' E Cope De Copenhaguen Relations Internationales.
- 24- Friis, Karsten (2000). From Liminars to Others: Securitization Through Myths. *Peace and Conflict Studies*. Vol.7. No.2.

